



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



غرب و شیعیان



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

غرب و شیعیان

نویسنده:

اسماعیل شفیعی سروستانی

ناشر چاپی:

موعود

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	غرب و شیعیان
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۸	غرب و شیعیان اهل بیت
۸	شیعیان و حضرت صاحب الزمان
۱۰	پاورقی
۱۰	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

غرب و شیعیان

مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی : ایران ۷۶-۱۱۳۵۷

سرشناسه : شیعی سروسستانی اسماعیل عنوان و نام پدید آور : غرب و شیعیان شیعی سروسستانی اسماعیل منشا مقاله : ، موعود، ش ۳، (مرداد، شهریور ۱۳۷۶): ص ۲۰-۲۵.

توصیفگر : انتظار منجی توصیفگر : اسلام توصیفگر : شیعیان توصیفگر : محمد بن حسن عج ، امام دوازدهم

مقدمه

بیش از چهارصد سال از بسط تفکر، فرهنگ و به تبع آنها مدنیت مغرب زمین می‌گذرد. مدنیته که بر مبنای تفکر انسان‌مدار (امانیسم)، جلوات مختلف نفس اماره انسان را متجلی ساخته و همان را هم ملاک و معیار ارزش‌گذاری و سنجش همه امور عالم و آدم می‌داند. ضمن آنکه، فرهنگ حاکم بر آن، بسیاری از ارزشهای دینی و اخلاقیات مذهبی را تحت الشعاع قرار داده است. شرایط تاریخی خاص «سرزمینهای اسلامی، غفلت مسلمین از شناسایی بنیادین غرب و بالاخره سلطه سردمداران استکبار موجب بوده است تا امروزه، مدنیت و فرهنگ غربی، در تمامی گوشه‌ها و زوایای کشورهای مسلمان نفوذ کرده و همه مناسبات فردی و جمعی آنان را تحت تاثیر خود قرار دهد. تا آنجا که طی یک قرن اخیر، به صورت آشکار، سازمانهای رسمی علمی، تحقیقی، سیاسی، مالی و جاسوسی انگلیس و امریکا و دیگر کشورهای غربی، احکام خود را درباره بیش از یک میلیارد مسلمان جاری ساخته‌اند. در این میان، ایران به عنوان سرزمینی که مردمش همواره پرچم ولایت و امامت ائمه هدی: را در اهتزاز نگهداشته‌اند، از وضعیتی خاص برخوردار است و به همین سبب نیز بیش از دیگر کشورهای اسلامی مورد توجه و تعرض غرب قرار گرفته است. از اولین سالهای حکومت قاجار، به دلایل مختلف (که ذکر آنها موجب طولانی شدن کلام می‌شود) فرهنگ و تمدن اروپایی با دلالتی روشنفکران ملحد و حمایت‌های حکام جاهل، سایه شوم خویش را بر مهمترین ارکان حیات فرهنگی و مدنی این قوم گسترد و همه مناسبات او را اعم از تعلیم و تربیت، سیاست، اقتصاد، قضا، تقنین و بالاخره نظامیگری تحت الشعاع مبانی نظر و سیاستهای اجرایی خود قرار داد. به طوری که تمامی منابع نظر دینی و حتی فرهنگ سنتی به فراموشی سپرده شدند، که نتیجه طبیعی این امر، خودباختگی، دوری از هویت حقیقی، تعلیم و تربیت غربی و بالاخره زندگی به سیاق فرنگیان بود. انقلاب اسلامی، به رهبری امام فقید حضرت روح‌الله الموسوی الخمینی قدس سره الشریف، و در پی آن وقوع جنگ تحمیلی هشت‌ساله، همه گردهای نخوت و غبار سستی یکصد و پنجاه ساله را که بر پیکر این ملت نشسته بود، سترد و با احیا و تجدید تفکر و فرهنگ معنوی امکان بازپرسی از همه مناسبات فردی و جمعی پیشین را فراهم آورد. اما، فقدان مطالعه جدی در امور مبتلا- به، به تعویق افتادن موضوع انقلاب فرهنگی همراه با تهاجم بی‌وقفه فرهنگی و سرمایه‌گذاری دستگاههای سیاسی استکبار جهانی (به سرکردگی یهودیت صهیونیستی) برای مقابله با فرهنگ انقلاب اسلامی، موجب شد تا آسیبهای بسیاری به حیات فرهنگی جوانان وارد آید. پرواضح بود که امپریالیسم امریکا همه هم خویش را مصروف اضمحلال سرزمینی خواهد کرد که پرچم ولایت و تشیع را برافراشته است. چنانکه «ویلیام پری وزیر دفاع امریکا در هفدهم آذرماه سال ۷۳ در مجلس سنای امریکا اعلام داشت: «امریکا قبل از استفاده از زور به دیپلماسی بازدارنده متوسل خواهد شد و در صورت شکست آن به دیپلماسی فشار روی خواهد آورد.» این در حالی است که هنوز چنانکه شایسته است، نقد جدی تفکر، فرهنگ و تمدن غرب و بازپرسی از نحوه نفوذ و بسط آن مبانی در نظام تعلیم و تربیت، دستگاههای ارتباط جمعی، اقتصادی، شهرسازی و... در ایران به عمل نیامده است و تا دسترسی به پاسخهای اساسی مبتنی بر منابع اسلامی و مبانی نظر دینی - در کلیه

امور - راهی دراز در پیش است. راهی که پیمودن آن الزامی است و استمرار حیات حقیقی انقلاب اسلامی و آغاز بنای تمدن ویژه آن منوط به این امر مهم است زیرا: به جز دوران حیات و حضور حضرت نبی اکرم (ص) و مدت کوتاه خلافت علی بن ابی طالب (ع) در سرزمینهای اسلامی (با انبوهی از درگیریها و جنگها) دیگر هیچ گاه، به صورت گسترده امکان استقرار حکومت اسلامی - زیر لوای معصومین (ع) - مهیا نشد و پس از غیبت کبری نیز، سلطه اولاد بنی عباس و پس از آنها، خلفا و سلاطین نادان، امکان نشر آراء مؤمنان آل محمد (ص) و تحقق حکومت اسلامی فراهم نیامد و در یک کلام: وجوه فرهنگی و آداب ملک داری و تعالیم معصومین (ع) در پرده اجمال و سینه بزرگان اهل نظر ماند و تنها جوهری از آن دریافتهای قلبی در قالب آثار فقهی، مجموعه‌های روایی، دواوین شعراء، تفاسیر و صورتهای معماری آشکار شد. مجموعه‌ای که طی چند قرن گوشه‌ای از تمدن اسلامی را به نمایش گذارد و پس از آن تبدیل به آرزوی بزرگی شد که قلبهای مشتاقان را گرم می‌کرد. انتظاری که تا ظهور قائم آل محمد (ص) امتداد می‌یابد. لیکن، این تصور بیهوده به وجود آمد که «اسلام قادر به عرضه پاسخهای مناسب برای سؤالات مسلمین در مباحث اقتصادی، اجتماعی، حقوقی و سیاسی روز نیست.» و چه زود مسلمین نیز از یاد بردند که امامشان فرموده بود: «لیس شی الا و قد جاء فی الکتاب و جاءت فیه السنه [۱]. چیزی نیست مگر آنکه [حکم آن] در کتاب و سنت آمده است. این امر مقدمه‌ای شد تا واسپس آن (بویژه در دوره معاصر)، مبانی نظر غیردینی و منابع غربی مورد توجه اهل علم و بویژه دانشگاهیان و دانش آموختگان جدید واقع شود و آراء آنان در قالب برنامه‌ها و کتب درسی به دانشجویان جوان منتقل گردد، تا جایی که متأسفانه، امروزه همه مسائل مبتلا به، مبانی نظر و منابع غربی نقش اساسی و تعیین کننده‌ای را ایفا می‌کنند. به موازات این جریان، شاهد بوده‌ایم که از بزرگان اهل ادب دینی و آثار مردان اهل تفکر و نظر، همواره وسیله‌ای برای تفاخر و زینت مجالس ساخته شد و هر از چندی سمیناری و کنگره‌ای به نام آنان بر پا گشت. بی آنکه هیچ قصد جدی برای رجوع به آراء آن سلحشوران قبیله ایمان وجود داشته باشد. به طوری که، طی یکصد و پنجاه سال اخیر همایشهای بسیاری برگزار شده، لیکن، سازمانهای آموزشی و برنامه‌ریزان نظام دانشگاهی به همان راهی رفته‌اند که غرب صورت و سیرت آن را ترسیم کرده است. شک نیست که مجموعه «اعتقادات، اخلاقیات و احکام هر یک به منزله رکنی اساسی در زیر ساخت «تفکر، فرهنگ و تمدن بوده‌اند و بدین سبب، در طول تاریخ هیچ مدنیت فاخری، فاقد احکام مخصوص به خود و هیچ تمدنی فاقد فرهنگ ویژه خود نبوده است. بر این قیاس، باید اعلام داشت تمدن مغرب زمین نیز بسان یک مذهب ضمن دارا بودن سلسله‌ای از احکام عملی برای همه مناسبات فردی و جمعی انسان از اخلاق، فرهنگ و بالاخره اعتقادات ویژه‌ای نیرو می‌گیرد که توسط بزرگان اهل نظر آن سامان (فلاسفه، روشنفکران، علما و...) مدون و اعلام شده است. این امر، جامعه مسلمین و حوزه‌های نظری آنها را ناگزیر می‌سازد تا اقدام به نقد اساسی همه احکام جاری بر مدنیت وارداتی غرب، پشتوانه فرهنگی و سیر تحول آن نمایند. در مقابل، بر اساس طرحی گسترده باید مقدمات دستیابی به پاسخ سؤالات مبتلا به روز را از میان منابع نظر دینی (قرآن و عترت) فراهم کرد. بی شک به عنوان یک مسلمان شیعی مذهب بر این باوریم که پیروی از دستورات معصومین (ع) تنها راه نجات است چنانکه امام محمد باقر (ع) می‌فرماید: «شرقاً و غرباً فلا تجدان علما صحیحاً الا شیئاً خرج من عندنا» [۲]. در شرق و غرب عالم به دانش درستی دست نمی‌یابید، مگر آنچه از نزد ما خارج شده باشد. و از حضرت حجت (ع) نقل است که فرمودند: «طلب المعارف من غیر طریقنا اهل البیت مساوق لانکارنا» [۳]. جستجوی معارف جز از راه ما خاندان پیامبر برابر انکار ما است. باور به این امر خود پایه اولیه انقلاب بنیادین فرهنگی است چنانکه مقام معظم رهبری فرموده‌اند: «انجام یک انقلاب فرهنگی حقیقی در جامعه بر مبنای تحول عمیق اخلاقی به معنای عام و صحیح کلمه ضروری است.» به نظر می‌رسد ضرورت حل و فصل سریع مسایل طی سالهای بحرانی جنگ و انقلاب اسلامی در کنار حوادثی که پی در پی فرا راه انقلاب قرار می‌گرفتند موجب بوده تا دست اندرکاران امور کشور، با توسل به راه‌حلهای سهل الوصول پاسخهایی را برای امور مبتلا به پیدا کنند و با پشت سر نهادن بحرانها، دوره فترت و گذار را طی نمایند. اما، عدم تاسیس مرکز تحقیقی هوشمندی که بتواند با مراجعه به منابع و متون دینی،

پاسخگویی همه سؤالات مبتلا به امور فرهنگی و مدنی جامعه مسلمین در این شرایط تاریخی باشد، موجب شده است تا مطالب غیر تحقیقی بسیاری به صورت پراکنده در میان مردم و مسئولان رد و بدل شود و حتی بسیاری از دستگاههای اجرایی با اتکا به راه‌ل‌های متخذه از آراء اندیشمندان غربی و یا روشنفکران التقاطی شرقی امور را به پیش برند و در نهایت به این تصور واهی دامن زده شود که: «دین فاقد پاسخ مناسب برای مسایل مبتلا به روز است و یا دین تنها امری فردی و اخلاقی است و نمی‌تواند در امور اجتماعی و حکومتی دخالت کند.» ایجاد چنین مرکزی نیازمند طرحی اساسی است و مسلماً باید گفت طراحی چنین برنامه‌ای ممکن و میسر است، تا این امکان به وجود آید که: شالوده نظام تعلیم و تربیت جامعه مسلمین بر بنیانی مرصوص استوار گردد و از دیگر سو، مقدمات ایجاد تحول اساسی در همه زمینه‌ها فراهم شود. ضمن آنکه از این طریق می‌توان مطالب نظری مورد نیاز کلیه دستگاههای اجرایی کشور را (عاری از شائبه‌های غریزده‌گی) فراهم کرد.

غرب و شیعیان اهل بیت

باید اذعان داشت که غرب و صهیونیسم هیچگاه تمایل به حفظ استقلال فرهنگی، سیاسی و اقتصادی ایران نداشته و همیشه درصدد بوده‌اند تا با استفاده از تمامی وسایل مانع تحقق قطعی این امر شوند زیرا، نوع باور و اعتقاد اهل تشیع را - که همواره چشم به راه رسیدن «موعود منتظر» هستند - رو در رو با اساس و بنیاد نظری فرهنگ و تمدن خود می‌بینند که: «سحر با معجزه پهلوی نزنند.» آنان نیک دریافته‌اند که شیعیان، به جهان معاصر به چشم مدینه فاضله و جهان مطلوب نمی‌نگرند. شاید به واسطه همین شناخت از سرزمین و مردم ایران است که طی یکصد و پنجاه سال اخیر، به گونه‌های مختلف سعی در خدشه‌دار کردن موضوع «انتظار و مهدی منتظر (ع)» کرده‌اند و با ایجاد فرقه‌ها و دسته‌های متعدد، امید به بسط تفرق و تشتت در میان مسلمانان داشته‌اند. چرا که این باور (ظهور منجی موعود) شیعیان را به عنوان جامعه‌ای معترض در برابر کفر، شرک، نفاق و الحاد معرفی کرده است. نمونه بارز این اعتراض بزرگ در برابر استکبار، وقوع انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی قدس سره بوده است. چه، شیعیان همواره در طول همه تاریخ، تابع مکتبی بودند که جانمایه آن را اعتراض در برابر وضع نامطلوب و تلاش برای بنای وضعی مطلوب تشکیل می‌داد و به آنان یادآور می‌شد که: «افضل العبادۃ انتظار الفرج [۴]. انتظار، بذری است که در شرایط مناسب، نهال امیدواری، ستیز با استکبار، دوری از فساد، امر به معروف، نهی از منکر، دفاع از مظلوم، سرزندگی، دوری از یاس و بالاخره فرمانبرداری از خداوند رحمان را می‌پرورد.

شیعیان و حضرت صاحب الزمان

قیام مهدی موعود (ع)، بزرگترین حادثه تاریخی بشریت و سرفصل فارق ظلم و باطل از عدل و حق است چنانکه فرمود: «اذا قام القائم (ع) ذهبت دوله الباطل [۵]. هنگامی که قائم به پا می‌خیزد دولت باطل نابود می‌شود این قیام با استناد بر بسیاری از اخبار و حوادث می‌نماید که، از آن میان تحقق انقلاب اسلامی، و برخاستن مردی از قم را می‌توان بشارت‌دهنده قریب‌الوقوع بودن آن جریان عظیم در عرصه هستی دانست. «و عجل لنا ظهوره انهم یرونه بعیدا و نریه قریبا» [۶]. خداوندا در ظهور حضرتش شتاب کن، اگر چه دیگران این امر را دور می‌دانند اما ما آن را نزدیک می‌دانیم. این مطلب در کنار این کلام محکم: «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة [۷]. کسی که بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلی از دنیا رفته است ما را متذکر این می‌سازد که عدم معرفت درباره آن حضرت ما را دچار غبنی بزرگ خواهد کرد. غبنی که تا مغز استخوان را می‌سوزاند و دل را می‌لرزاند. از آن مهمتر غم فقدان آمادگی جسمی و روحی بسیاری از مسلمانان در سرتاسر عالم است که در میانه زنجیر طغیانگران و سلاطین خودکامه، زمینگیر مانده‌اند. بدیهی است که ایجاد آمادگی منوط به شناختی ژرف درباره دین، تاریخ، روایات و اخبار مربوط به

ظهور و حکمت ازمنه است، مجموعه‌ای که زمینه‌هایی قوی در مخاطبان به وجود می‌آورد و عامل ایجاد شور و نشاط جهت آماده شدن در عصر غیبت و آخرالزمان می‌شود. عجب نیست که بسیاری از مسلمین و حتی شیعیان در مقابل این حوادث بزرگ و دشمنانی که تحت لوای یهودیت صهیونیستی و استکبار جهانی کمر به نابودی مسلمین بسته‌اند معرفی اندک و اجمالی از حضرت صاحب‌الامر (ع) دارند و گاه موضوع ظهور را مترادف با وقوع قیامت کبری می‌پندارند و از آن در هر اسناد. علی‌رغم آنکه، نزدیک به شش هزار روایت در این باره از معصومین (ع) وارد شده است و در واقع باید گفت: «شیعیان درباره جانمایه بقا و دوامشان و سر اعتقاد و باورشان یعنی موضوع ولایت، امامت و حجت نیازمند مطالعه و خوراک فکری و فرهنگی هستند.» زیرا علاوه بر موارد فوق: ۱. تاکنون مرکز تحقیقاتی جامع و مناسبی در جهان اسلام، برای مطالعه حقایق و کشف تحریفات وارد آمده در اخبار تاسیس نشده است و همواره حقایق متعالی همراه با بسیاری از افسانه‌ها و تخیلات در میان مسلمین منتشر گشته است که در این میان جوانان آسیب‌پذیرتر بوده‌اند. بویژه که علوم کمی غربی، به صورت طبیعی پایه‌های اعتقاد به غیب، روح، عالم امر، رجعت، ظهور و... را سست می‌نماید. ۲. تاکنون، علی‌رغم تبلیغات سازمانهای جاسوسی و فرهنگی غرب علیه این موضوع (ایجاد فرق ضاله، ساخت فیلمهایی چون نوستر آداموس و...) از مطبوعات و سازمانهای انتشاراتی، جایگاه ویژه‌ای برای این امر در نظر نگرفته‌اند. و تنها در ایام ماه شعبان، مقالات پراکنده‌ای، در میان سیلی از تریکات و تبلیغات تجاری منتشر می‌سازند که آن مقالات نیز عمدتاً قالبی و غیر تحقیقی نوشته می‌شوند و همگی دارای مضامینی واحد و تکراری‌اند. ۳. خالقان آثار ادبی و هنری، بویژه داستان نویسان و فیلمسازان، از دستمایه‌ای قوی و محققانه برای خلق آثاری مناسب با این امر برخوردار نیستند. بدین سبب آن آثار، فاقد قدرت لازم برای ایجاد نشاط و تحرک در میان جوانان‌اند و در مقابل بسیاری از قهرمانان پوشالی و فاسد که به وسیله فیلمسازان غربی و اخیراً ژاپن، تبلیغ می‌شوند، جایگزین مردان بزرگ و سلحشوران قبیله ایمان شده‌اند. ۴. علی‌رغم آنکه موضوع «موعود آخرالزمان (ع)» در میان تمام اقوام و در میان همه مذاهب مطرح است؛ لیکن، هیچ نوع شناخت اصولی در این باره و هیچگونه ارتباطی که عامل تضارب آرا و اندیشه میان علما و اندیشمندان شود وجود ندارد. ۵. به واسطه عوامل فوق، هیچ نوع برنامه جدی و عملی برای تربیت نیروهای زمینه‌ساز ظهور حضرت تدوین نگردیده است و امروزه، جوانان مسلمان در برابر تهاجمات بلاوقفه فرهنگی غرب آسیب‌پذیرند. ۶. ضرورت انجام اقدامی اساسی برای ایجاد جریان «جهاد فرهنگی علیه «تهاجم فرهنگی بیش از هر زمان به چشم می‌خورد و انجام این مهم نیز، در گرو شناخت جهان نامطلوب ساخته و پرداخته شده غرب و غربزدگان و شناخت جهان مطلوب موعود است. چه، باید اعلام داشت: حضرت حجت (ع) بکلی مورد غفلت واقع شده است و قهراً تا آن هنگام که انسان، ایشان را کماهو حقه نشناسد - چنانکه باید - وظیفه‌اش را بجا نمی‌آورد و بعکس پس از شناخت، در هر دو وجه وظایف را به انجام می‌رساند. نگارنده بر آن باور است که، «نقد جدی تفکر، فرهنگ و تمدن غربی و «تاسیس مرکز تحقیقی ویژه‌ای که بتواند پاسخگوی سؤالات بنیادین شود» مقدمات بنیادین جهاد فرهنگی است. تحقق این دو امر، در گرو حراست از بنیادهای فرهنگی و مدنی جامعه مسلمین از آلودگی به شائبه‌های غربزدگی است چه غفلت در این باره و رها کردن امور در دست مردان و زنانی که به حقیقت عاری از دلبستگی به ارزشهای فرهنگی، دینی‌اند موجب می‌شود تا تمامی فرصتها برای بازسازی فرهنگی از بین برود. چنانکه امروزه با معضل بزرگ اجتماعی (گرایش نسل جوان انقلاب به غرب) روبرو هستیم. انفعال در برابر خواسته‌های شهوی و هواجس نفسانی و دامن زدن به گرایشهای غیر دینی نه تنها موجب فرونشستن آتش و التهاب هواجس نمی‌شود بلکه، بسان «شوراب تمایل را صدچندان می‌سازد. چنانکه مذاق به مرداب عفن خو گرفت به هیچ روی عطر گلها و ریاحین را جستجو نمی‌کند. جامعه فرهنگی این سرزمین ناگزیر بازنگری در بسیاری از عملکردهاست. ناگزیر به شناسایی همه جانبه خصم و ردپای آنها در میان مناسبات فرهنگی و مادی مردم است. ناگزیر به تکیه بر مردانی است که گوش جانانشان آکنده از کلام دین نبی اکرم (ص) است ورنه، آنان که سالهای سال در میان سرزمینهای غربی ارتزاق کرده‌اند و صورت و سیرت زندگی خود را با ادب غربی منطبق ساخته‌اند به

چیزی کمتر از اعتزال از مبانی دینی و کم‌رنگ ساختن احکام اسلامی راضی نیستند و از دین جز صورت وارفته‌ای که توجیه کننده اعمالشان باشد نمی‌خواهند. اینان، بی‌آنکه بر ملا سازند دین را ناتوان و اهل دیانت را فاقد توانایی حل و فصل معضلات مسلمین می‌پندارند. اینان بی‌آنکه آشکارا لب‌بگشایند احکام خدا و رسول او را کافی برای زندگی نمی‌دانند چرا که زندگی در نگاه آنان، جز تکرار آنچه غرب هم‌اکنون در آن دست و پا می‌زند نیست. اینان به حقیقت پیرو مسلک «جدایی دین از سیاست‌اند» و از همین رو امام عصر ارواحنا فداه را انتظار نمی‌کشند و از ایشان سخن به میان نمی‌آورند چه، اعتقاد به امام عصر (ع)، تجلی این باور است که «دین منفک از هیچ یک از مناسبات فردی و جمعی آدمی تا ابدالابد نیست».

پاورقی

- [۱] المجلسی، مولى محمدباقر، بحار الانوار، ج ۲، ص ۳۰۴، ح ۴۷، مؤسسه وفاء، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
- [۲] همان، ج ۴۶، ص ۳۳۵، ح ۲۱.
- [۳] القیمومی الاصفهانی، جواد، صحیفه‌المهدی، ص ۳۳۴، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۳.
- [۴] المجلسی، مولى محمدباقر، همان، ج ۵۲، ص ۱۲۵، ح ۱۱.
- [۵] همان، ج ۲۴، ص ۳۱۳، ح ۱۸.
- [۶] قمی، شیخ عباس، مفاتیح‌الجنان، دعای عهد.
- [۷] الکلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۳۷۱، ح ۵، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم
 جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
 با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی‌آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت عليهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت عليهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به

محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۹۰ IR

۰۶۰۹-۵۳ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،

هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

